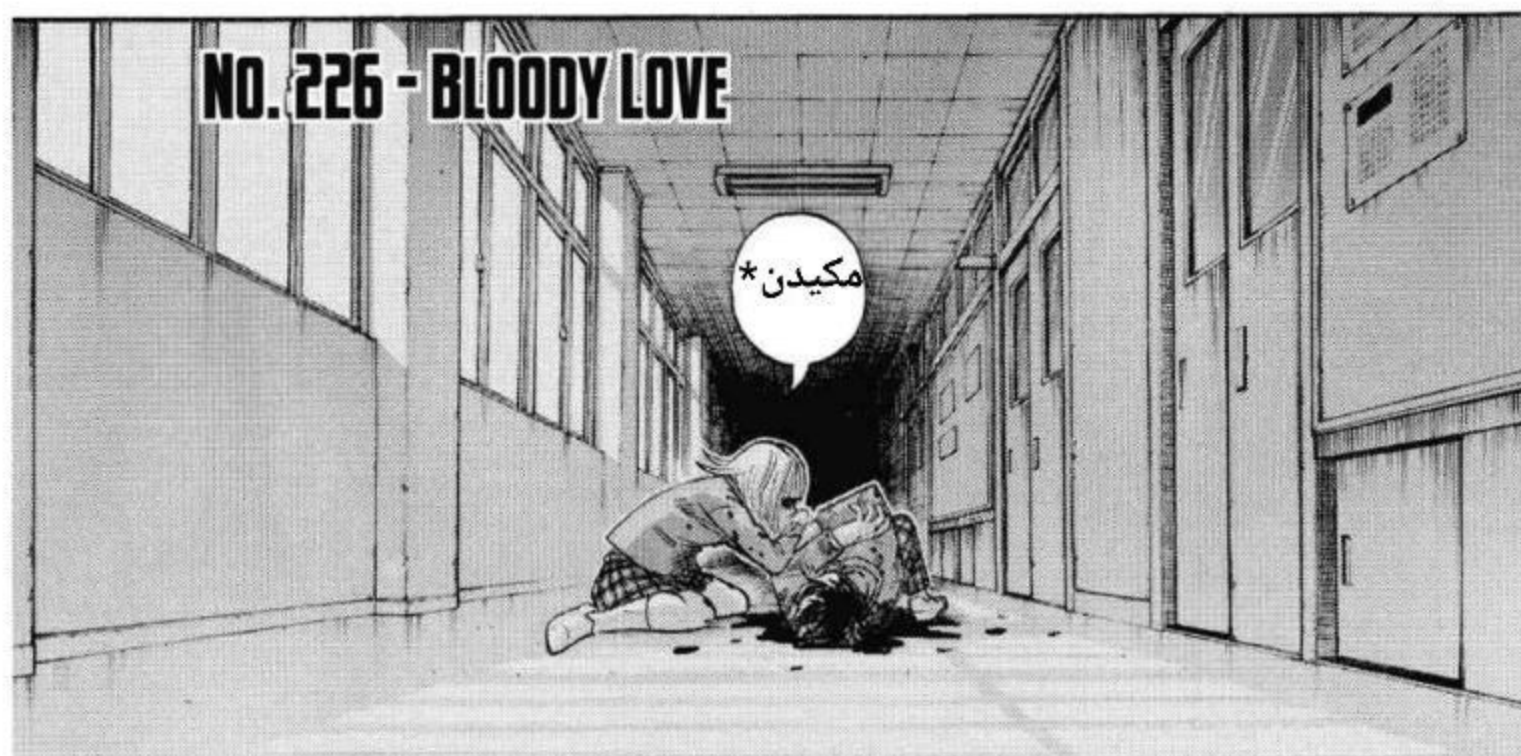










PAT

یک دختر

بدبخت

کسی که با ابر قدرت
خودش که محدودش
کرده. خودشو تا لبه مرگ
برده

تو میدونی در اصل باید
چیو مقصر بدونی هیمیکو
توگا؟



هوف

هوف

توصیه کردن
درباره کوسه ها

اونا سعی کردن تمام درک و فهم
تورو از دنیای اطراف و نقشی که
میتونی در جامعه داشتی باشی
بزور سرکوب کنن و داخل یه
جعبه بزارن

یه پروسه ایه که حتی کامل هم
نیست البته. توصیه کردن آخرش
با نظریه دادن و فهموندن فرق
بین ما تموم میشه و این یه
اشکال مه اونا هنوز باید روش
کار کنن داخل این برنامه ریزی



تو خون
میخوری تا
تبدیل بشی

تو با اون قدرت بدنیا
اومدی و همیشه یه حسه
خیلی قوی و عمیق به
خون داشتی

خیلی
بامزست

بامزه
و
جذاب



اما تراژدی
بزرگ
اینجا

از یه احساس
کاملاً عادیه
تحسین میاد



خون و
تحسین

این دوتا عنصر باهم
ترکیب میشن و تبدیل
میشن به چیزی که جامعه
هیچ وقت نمی پذیره



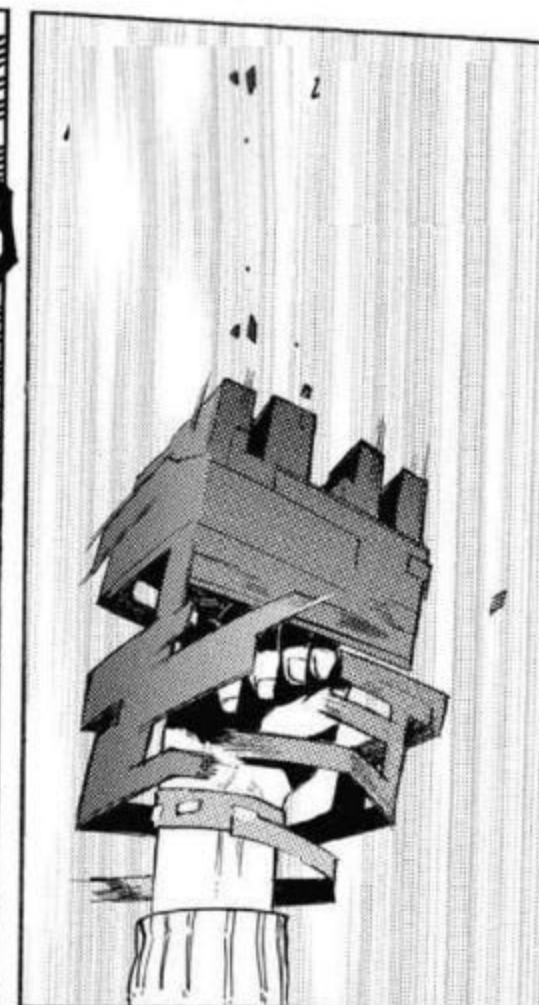
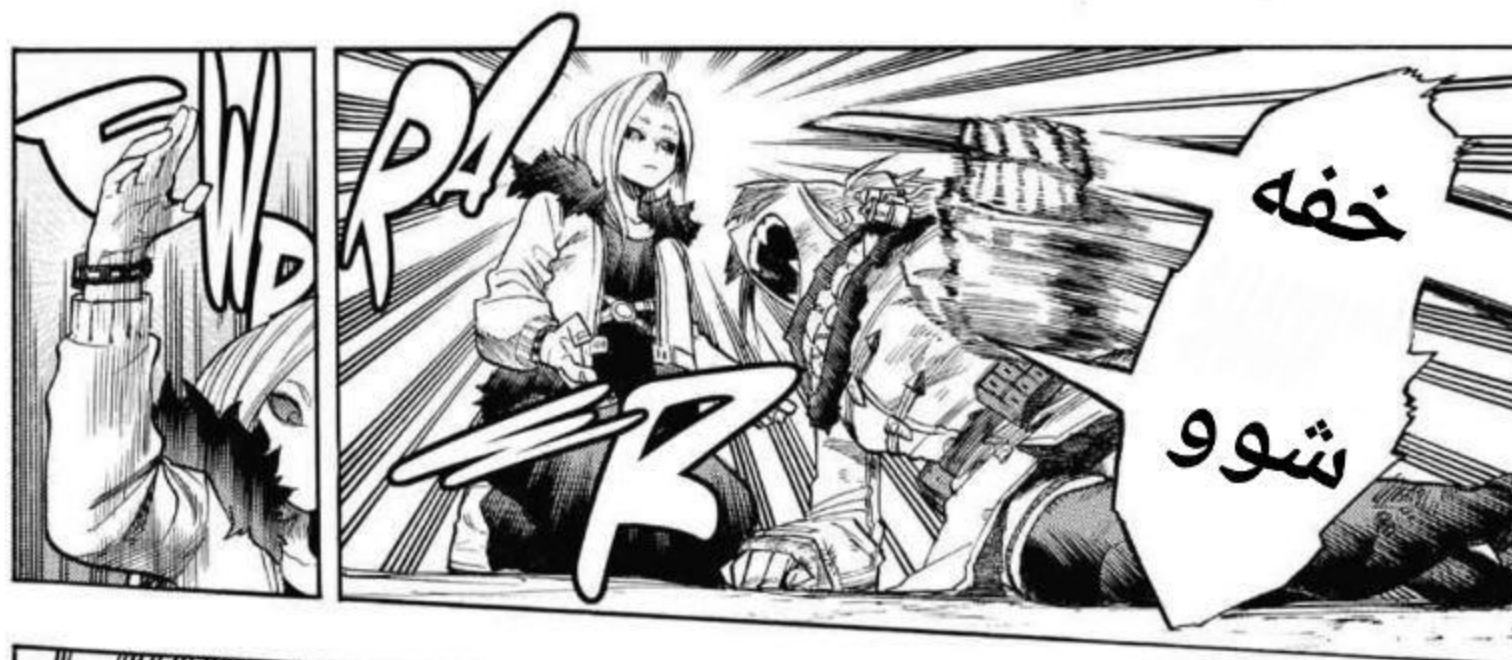
پس تو
همشو
سرکوب
کردی

خودتو سرکوب کردی
و یه ماسک برا
خودت ازش ساختی



اون کارو نکن..
فکر کردی داری
چیکار میکنی

و اون خنده تو شبیه یه
ترسناکو هزار نوع شیطان
کنار شدی









و همونطوری که
بقیه مردم کسایی
که دوست دارن رو
بوس میکنن



وقتی خوشحال
هستم لبخند
میزنم



وقتی من عاشق ینفر
هستم خونشون رو
میخورم



یک تبدیل.. صد
البته از خونی که
ذخیره کرده بود

خدایا الان
اشکم در
میاد



من بد بدخت
نیستم.. من
نه









